

## سکه نویافته الیمایی در تپه باستانی کره سیاه بهبهان

دکتر محمدتقی فاضلی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

dr.fazeli1342@yahoo.com

محمدحسن محسن نسب

عضو هیأت دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۳۱)

## چکیده

الیمایی ها ازسلسله های محلی بودند که از قرن دو قبل از میلاد تا آغاز قرن ۳ میلادی درشمال خوزستان زندگی می کردند و در این سرزمین از فرهنگ و تمدن غنی برخوردار بودند. واژه ی الیمایی از نظر اتیمولوژی به معنی عیلام کوچک است که درواقع ادامه دهنده ی تمدن عیلامی کهن و ازبازماندگان آنان می باشند. باستاند بیشترمنابع تاریخی، الیمایی ها پس از شکست آشور بنی پال در انزوای سیاسی بسر می بردند ولی بعدها توانستند خودرا در تاریخ مطرح کنند همچنین از نظر اعتقادی و باورهای دینی خدایان غیر ایرانی، سامی و بابلی و آشوری نظیر بل Bel و نانا Nanana و آرتمیس Artemis را می پرستیدند. آثارباقی مانده از آنها مقابر ، معابدسنگی، سردابه، نگارکندها، سکه ها و کتیبه هایی (به خط و زبان آرامی) گچبری ها و پیکرک ها و مجسمه ها می باشند. الیمایی ها از معدود ایالات خودمختار و کوچک محلی بودند که می توانستند در تمام ارکان دولت ایران تحت تاثیر به سزایی داشته باشند. اما حوزه ی حکومت آنان در جبهه ی جنوب غربی ایران تقریباً تمامی ناحیه فرمانفرمایی عیلام جدید را شامل می شد و دامنه وسعت حکمرانی شان بخوبی مشخص نیست. احتمالاً ناحیه ی وسیعی از خوزستان و اصفهان تاخلیج فارس رادر برمی گرفت. هنگامی که مهرداد اول سرزمین بین النهرین را به تصرف در آورد و منطقه الیماییها نیز تازه استقلال یافته ازسال ۶۱ ق.م. تحت تسلط آنان قرار گرفته و این درست مصادف است بازمانی که دیمتری دوم پادشاه سلوکیه اسیر مهرداد اول شد و قدرت پارتها تاکنار شط فرات رسیده بود و اقوام الیمایی تابع پارت ها شدند. ضرب سکه های کوچک الیمایی مکشوف در منطقه خوزستان بویژه در شهرهای ایذه، شوشتر، دزفول، بهبهان، شوش، و..... نشان می دهد که این اقوام دارای استقلال داخلی بودند ولی تحت نظر پارتها به زندگی خود ادامه می دادند. این مقاله به بررسی سکه نویافته الیمایی می پردازد که در تپه کره سیاه بهبهان بدست آمده است.

واژگان کلیدی: الیمایی، پارتها، سکه، تپه کره سیاه بهبهان،

## مقدمه

(۵۹۰-۵۹۴) قدیمی ترین منبع درباره (ایمائییس) الیمایی ، شرح نیاخورس می باشد ، که استر ابو آن را نقل کرده است: الیمایها دسته غارتگری که در همسایگی آنان مردمانی کوه نشین شوشانیها و پارسها معرفی شده اند می داند ، عده ای دیگر آنان را کشاورزانی می دانند که در حاشیه رودها در خوزستان به کشاورزی مشغولند ؛ چنین به نظر می رسد این مردمان به دو شیوه زندگی میکردند ، برخی از آنان ساکن کوهستان و برخی دیگر ساکن دشت بوده اند (ویا اینکه در دوره تثبیت قدرت خود ، به تدریج وارد دشت خوزستان شده اند. شناخت نسبی از این قوم بر اساس سکه های آنها و نوشته های مورخان که بیشتر همراه با ذکر تاریخ فرمانروایان سلوکی ، پارتی و سایر اقوام معاصر ممکن می باشد. (سرفرازوآورزمانی، ۱۳۸۰، صص ۶۰-۵۸).

ساموئل بوشارت نیز در مورد شباهت آوایی الیمائی و ایلام ، که نولدکه (noldke) در کتاب مقدس عنوان شده ، آنها را یکی دانسته است . در منابع اکدی فقط از کلمات ایلام و ایلامیان نام برده شده ، حال آنکه در متون یونانی و لاتین از الیمائییس و الیمایی استفاده کرده اند ( پاتس دنیل، ۱۳۸۵، صص ۲- ۵۹۰) پاتس معتقد است الیماییان بازماندگان ایلامیان می باشند . او بر اساس شواهد ومدارک بدست آمده در مکانهای مهمی چون شوش در واپسین سده های پیش از میلاد و مسجد سلیمان ، تنگ سروک و برد نشانده ، در نخستین سده های میلادی بقایای ایلام را به منزله یک قومی با زبانی مجزا در دوره

در حقیقت الیمایید بر قسمتی از منطقه ایلام کهن که بین کوههای بختیاری یا قسمت شرقی شوش واقع بود ، اطلاق می شد ، راهی که از اهواز کنونی گذشته و به الیمایید می رسید ، یکی از شاهراههای اقتصادی و بازرگانی در زمان سلوکیها و اشکانیان محسوب می شد ، این راه خلیج فارس را به فلات مرکزی ایران متصل می ساخت (سرفرازوآورزمانی ۱۳۸۰، ص ۵۸). این واقعیت که "جایگاه مقدس" الیماییان تا کنون در دشتها یافت نشده بلکه بیشتر در بلندیها و در راههای ورودی کوههای زاگرس واقع بوده اند ، احتمالاً نشان می دهد که مناطق اخیر بخشی از قلمرو آنان بوده و چندان اهمیت داشته اند که آنان مهمترین زیارتگاههایشان را در آنجا قرار داده اند .مقدم در گزارشهای میان آب شوشتر (۱۳۸۴) می نویسد: ابتدا مناطق کوهستانی بیشتر مورد توجه و سکونت الیمایی ها بود و خاستگاه اصلی شان کوههای شرق و شمال شرقی خوزستان بطور خاص کوههای زاگرس میانی است. استرابون می گوید : الیمایی ها دسته ی غارتگری بودند در همسایگی شوشانیها و پارتها و در پشت بلندی های کوههایشان پنهان اند، حتی تاکید دارد که سرزمین الیمایی ها پهناورتر از سرزمین همسایگان شان، پرتئنها است. واز سه استان الیمایی گابیانا و ماساپاتنه و مان سپادا و کوربیانه نام می برد. البته هوفمان از حضور الیمایی ها در قلمرو عیلام (ایلام) بخصوص در فارس و عیلام در معنی ژئوپولیتیکی و سیعتر آن در جنوب غربی ایران اشاره می کند .(دنیل تی پاتس، ۱۳۸۵

پژوهشگرانی میسر شد که مسیر تاریخی این قوم را از روی همین سکه ها، که جزو مدارک قطعی در تاریخگذاری شان محسوب می شوند، روشن نمودند، کم شدن قدرت سلوکیان در شرق مجالی برای تقویت الیماییها فراهم آورد اما این با ظهور تدریجی قدرت پارتی در فلات ایران همراه بود که هر یک خواهان قلمرو الیمایی بودند بود. ضرب سکه ای با نام کمنس کیرس **kamnaskires** اول نیکفورس الیمایی ۱۴۰ ق.م. خبر از ظهور نظم سیاسی مورخولم **morkhulem** با نسبت دادن سکه جدیدی در شوش می داد. نظر لوریدر و هوگتون، کمنس کیرس در حدود ۱۴۷ ق.م شوش را تصرف کرد. این شهر را دیمتریوس دوم باز پس گرفت که در حدود سال ۱۴۵ ق.م برای مدت کوتاهی به انتشار سکه در آنجا پرداخت، و پس از آن باز به دست الیماییها افتاد. اما هنینگ در بررسی اتیمولوژی این نام می نویسد: شکل کمنس کیرس **kamnaskires** به آرامی کبناشکیر **kabnškir** بود که به نظر او با عنوان ایلامی کپ نو - ایش - کیر **kapnuiškir** در دوره هخامنشی به معنای "خزانه دار" بسیار شبیه است. هنینگ این عنوان ایلامی را احتمالاً در اصل به ساتراپهای شوشان نسبت می دهد که وظیفه اصلی آنها "محافظت از خزانه های شاهی انبار شده در شوش" بود (پاتس، ۱۳۸۵، صص ۵۹۵-۵۹۲) در پشت سکه های کمنس کیرس (کامناسکیر، مانند سکه های آخرین پادشاه سلوکی تصویر آپولون نقش گردیده و عبارت " : کامناسکیر شاه پیروز " نوشته شده که حاکی از قیام او علیه سلوکیان

پس از سلطه اسکندر بر غرب آسیا می داند (همان، ص ۵۹۳).

### حکومت الیمایی

الیماییها از لحاظ فرهنگی و سیاست، مانند مادها، در حکومت هخامنشیان حل شده بودند. و پس از آنکه سلوکیها قدرت خود را تحکیم بخشیدند، همچون نیرویی چشمگیر و قابل توجه آشکار شدند. مستندات تاریخی در مورد حاکمان الیمایی این واقعیت را ثابت می کند که کامناسکیرس اول در دهه ۱۴۰ ق. م سکه ضرب کرده است و این امر نشان دهنده استقلال حاکمان الیمایی است، هر چند توالی و گاهنگاری سکه های آنان به جهات بسیاری روشن بهر حال الیماییها پس از ضد حمله سال ۱۴۴ ق. م چه شوش را باز گرفته باشند یا نه، مسلماً قدرت کافی برای حمله به بابل را بار دیگر در سال ۱۴۱ ق. م به دست آوردند که در این زمان " سپاه ایلامی و نیرو های او " در اپامه پیشروی کردند (پاتس، ۱۳۸۵، ص ۱۰) اما مهرداد اول ۱۷۱ پادشاه اشکانی پس از تسخیر ماد، این ناحیه را نیز تصرف کرده و ضمیمه امپراتوری پارت نمود و چون اداره مستقیم آن کار آسانی نبود، شاه محلی را در مقام خود ابقا کرد (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰، صص ۵۹-۵۸)

### سکه های الیمایی (الیماییها)

بخش بزرگی از معرفی و شناسایی مردمان الیمایی، بواسطه بدست آمدن سکه های حاکمان این دوره می باشد؛ این امر با همت بلند

شده است ، لباسی شبیه زره برتن نموده است . این سکه با زیبایی خاصی طراحی شده و آن را می توان جزو شاهکارهای هنری به شمار آورد . نقش لنگر در پشت سر شاه نیز دیده می شود . وعلاوه بر توضیحاتی که در مورد این سمبل گفته شد ، این نماد به یکی از ایزدان شوش نیز تعلق دارد و مربوط به باورهای دینی مردمان الیمایی می باشد ؛ بر روی تاج بعضی از شاهان آنها نیز این نقش دیده می شود . از آنجا که مهرداد اول اشکانی ، حدود سال ۱۴۰ ق.م بر ایلام مسلط بوده ، البته در این دوره نسبتاً طولانی ، شاه یا شاهان دیگری از الیمیایان حکومت نموده اند که از آنها اطلاعی در دست نیست ؛ زیرا تا کنون سکه ای از آنان بدست نیامده یا ممکن است پس از پیروزی و تسلط مهرداد اول ، ضرب سکه های الیمایی برای مدتی بیش از نیم قرن متوقف شده باشد و احتمال ضعیف دیگر اینکه در این مدت شاهزادگان اشکانی به حکومت این ناحیه گمارده شده باشند ، اما با مقاومت مردم ناحیه روبرو شده ، ناگزیر از خاندانهای محلی برای اداره امور کمک گرفته اند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰، صص ۶۵-۶۱) اما علامت های بر روی سکه ها عموماً در پشت سر شاه علامت لنگر و سمبل ماه وستاره که از نشانه های مذهبی می باشند ، به چشم می خورد . پشت سکه حاوی نقوشی است که در متن سکه پراکنده هستند و به نظر می رسد جنبه تزئینی دارند در ضرب سکه های بعدی نیز از این روش استفاده شده است ؛ از این زمان است که ضرب سکه های نقره متوقف شده و سکه های مفرغی جای

است ( اُکونپسس ) هوکناپسس بر روی سکه وی، سری بدون ریش و در پشت سکه تصویر آپولون خدای یونانی دیده می شود و به خط یونانی نام هوکناپسس نوشته شده که عبارت آن بدین مضمون است "شاه هوکناپسس" به گمان لوریدر وی پس از کمنس کیرس به حکومت رسیده باشد (همان، ۵۹۶) . پس از کمنس کیرس اول فرمانروای محلی دیگری به نام تیگریوس از ۱۳۸ ق.م ، به ضرب سکه اقدام نمود که حدود شش سال ادامه یافت ؛ این فرمانروا مسلماً تابع اشکانیان بوده است ، چون مهرداد اول حدود سال ۱۴۰ ق . م بر ایلام مسلط بو ه است . از این پادشاه دو سکه مفرغی در برد نشانده توسط گیرشمن بدست آمده است . بنا بر نظر لوریدر ، تیگریوس بلافاصله پس از اُکونپسس یا بین او و فرهاد دوم ۱۳۲ ق.م ، در شوش فرمانروایی می کرده است، سکه ای به نام کمنس کیرس دوم (و همسرش آنزاز *ānazar* از ۷۸ ق.م به دست آمده است که نمونه هایی از آن در شوش ۸۱،۷۹ یا سال ۸۲ در برد نشانده ، مسجد سلیمان و مجموعه های موزه ای گوناگون گزارش شده است . از آنجا که شوش در این زمان زیر سلطه پارتیان بود ، به نظر لوریدر این سکه احتمالاً در سلوکیه کنار هدیفون ضرب می شده است ؛ بسیاری از مورخین ، این شهر را نیز یکی از پایتختهای الیمیایها نمی دانند . در مورد مکان جغرافیایی آن ، گفته شده که این محل در کنار رود جراحی قرار دارد . برخلاف سکه های شاهان قبلی که فقط سر آنها حک شده بود در این سکه ها تصویر شاه بصورت نیم تنه طراحی

های مکتوب روی سکه ی مسی را که به زبان پارسی است قرائت نمایم. در حال حاضر این سکه نزد نامبرده می باشد.

● اینک به توضیح، حرف نویسی، آوانویسی و ترجمه ی آن می پردازیم (شکل ۲).

این سکه ی مسی مربوط به دوره ی الیمایی هاست (حدود ۱۰۰-۱۲۰ میلادی)، یک روی سکه تصویر پادشاه را در بر دارد که به نظر اینجانب تصویر پادشاه مربوط به اُرد دوم تقریباً ۱۲۰ میلادی است که پادشاه دارای ریش و تاجی بر سر می باشد و در کنار تصویر پادشاه یک لنگر کشتی هم کاملاً قابل رویت است و لنگر کشتی از مشخصه های سکه های الیمایی و پارسی است و لنگر هم دارای سه مفهوم اصلی است:

۱- لنگر می تواند مظهر رعد و برق و باران و آبادانی باشد که بر روی سکه های الیمایی ها بسیار دیده شده است.

۲- لنگر می تواند نماد و سمبل مذهبی باشد که گاهی این لنگر به همراه ماه و ستاره در سکه های پارسی هم مشاهده شده است. ولی در سکه های الیمایی فقط لنگر را در کنار تصویر پادشاه می بینیم

۳- لنگر می تواند از نشانه های دودمان سلوکی باشد. اما این نماد به یکی از ایزدان شوش نیز

خود ر به آنان می دهد، سکه های جدید در شوش ضرب نمی شده و در جای دیگری، شاید در سلوکیه هدیفون ضرب می شدند (بیانی ملکزاده، ۱۳۷۰).

### تپه ی باستانی کره سیاه در شهرستان بهبهان

این تپه باستانی در شهرستان بهبهان یکی از شهرهای جنوبی خوزستان واقع شده که از نظر جغرافیایی و از طرف شمال محدود است به رودخانه ی کره سیاه (انشعابات کوههای گرآب زاگرس) و زمین های مزروعی، از طرف جنوب: به زمین های مزروعی (معروف به مزارع گندم ۳۰ هکتاری) و به روستای حسین آباد محدود می گردد. از طرف غرب: به روستای کره سیاه و روستای کوتک و در ادامه به شهر بهبهان محدود می شود (شکل ۱) از طرف شرق: به امام زاده شیرعلی و روستای کره سیاه محدود است که فاصله آن تا جاده ی اصلی اهواز به بهبهان حدود ۴۰۰ متر است. بر اساس اطلاعات و منابع موجود این تپه باستانی یکی از تپه های در حال تخریب مربوط به دوره ی الیمایی ها و اشکانیان (پارتهای) است. که جزء آثار ملی و ثبت شده است. البته بخشهای زیادی از این تپه در معرض تخریب قرار دارد. اما سکه ی مکشوف توسط محمد حسن محسن نسب یکی از همکاران اینجانب در واحد شوشتر که ایشان اهل بهبهان و بومی منطقه هم می باشد بصورت تصادفی پیدا شد، سپس به رویت اینجانب رسانده و بنده هم با توجه به تخصصم که فرهنگ و زبانهای باستانی است سعی کردم ضمن تعیین قدمت سن این اثر، نویسه

۱- در باره ی این نقش (لنگر) افسانه هایی نقل شده مثلاً آپی سن Appicn مورخ یونانی قرن دوم میلادی چنین نقل کرده که لائودیسیم مادر سلوکوس وقتی حامله بود در عالم خواب قطعه آهنی که نقش لنگر بر روی آن نقش شده بود وقتی بیدار شد آن قطعه مقشوش را در کنار خود یافت. ژوستن آن افسانه را بدینسان روایت کرده است که مادر سلوکوس از شوهرش باردار نشد بلکه آپولون خدای یونای پدر اوست و آپولون برای یادگاری انگشتی به او داد که نقش لنگر بر روی آن بود وقتی سلوکوس دنیا آمد بر روی ران

لا : حرف نویسی و آوانویسی a  
و ā خوانده می شود.

و : در : در حرف نویسی و آوانویسی  
B و w خوانده می شود که در اینجا B درست  
است.

ر : حرف نویسی و آوانویسی آن R  
است

ه : در حرف نویسی و آوانویسی H  
است ولی در اینجا H هزوارشی است

ر : در حرف نویسی و آوانویسی  
R خوانده می شود.

و : در حرف نویسی W (او) و در  
آوانویسی o و ud خوانده می شود که اینجا o  
خوانده می شود.

د : در حرف نویسی d و š خوانده می  
شود ولی در اینجا بهتر است آن را d بخوانیم

ا : در حرف نویسی w (او) و در  
آوانویسی ud است

و : در حرف نویسی w (او) و در  
آوانویسی u و o و ud است

ر : در حرف نویسی و آوانویسی r خوانده  
می شود

تعلق دارد و مربوط به باورهای دینی قوم  
ایلمایی است. پشت سکه تصویر پرنده ای مشاهده  
می شود که به نظر بیشتر شبیه تصویر پلیکان  
در حال پرواز باشد که البته در برخی از سکه  
های ایلمایی تصاویر پرنندگان دیگری نظیر تصاویر  
عقاب، شاهین و..... دیده شده است. و از  
علامتهای بارز این سکه هاست و چنین سکه ای  
با این ویژگی تاکنون در منابع گزارش نشده  
است و حداقل نگارنده ندیده است. و آن روی  
دیگر سکه دارای نویسه هایی به الفبای پارسی  
کتیبه ای است که کاملاً از نظر شیوه ی کتابت با  
چرم نوشته های اورامان و سفالینه های نسا و آثار  
شهر دورا و پوس قابل مقایسه می باشد  
(رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۲۰)

م : حرف نویسی و آوانویسی آن M  
است.

ل : حرف نویسی و آوانویسی آن L می  
باشد.

ک : حرف نویسی و آوانویسی آن k خواند  
می شوند که در روی سکه حرفهای L و K به هم  
چسبیده اند که بایستی آنها را جدانموده و  
بخوانیم

---

او نقش لنگر دیده می شد. البته این روایات جنبه افسانه دارند و  
عاری از حقیقت هستند. لنگر مظهر بابل بود که سلوکوس پس از  
تصرف بابل و بازسازی آنجا علامت را برای خود  
برگزید. (سرفراز، ۱۳۸۰).

## نتیجه گیری

آگاهی و شناخت نسبی ما از این قوم براساس سکه هایی است که از آنها برجای مانده است. در این دوره ی طولانی شاه یا شاهان دیگری از الیماییها حکومت کرده اند اطلاعاتی نداریم به نظر می رسد پس از پیروزی و تسلط مهرداد اول ضرب سکه های الیمایی برای مدتی بیش از نیم قرن متوقف شده باشد. البته نقش برجسته های کمی که در دل کوهها و صخره ها کنده شده اند تا حدودی نیز راهگشای پژوهشگران می باشند. سرزمینی که در منابع یونانی به آن الیمایس گفته اند در حقیقت بخشی از سرزمین ایلام در دوره های پیشین است. همچنین وجوه اشتراکی به لحاظ فرهنگی و آیینی بین این قوم و ایلامی ها وجود دارد. البته نفوذ عقاید گوناگون در دوره های مختلف هخامنشی و سلوکی (فرهنگ هلنستی) و پارتی، با آمیزه ای از چندین ریشه ی فرهنگی تحت نفوذ مراکز سیاسی خود در بین النهرین و آسیای صغیر بر باورهای مردمان کهن الیماییها سایه افکنده است. بهر تقدیر حضور الیمایی ها در دشت موجب شد که اقتدار سیاسی خود را بتدریج از دست بدهند چون حضور در دشت به یک پشتوانه نظامی قوی نیاز داشت که الیمایی ها از آن بی بهره بودند. به همین خاطر در دوره ی ساسانیان بطور کلی مغلوب شده و این مردم با تغییر حکومت توسط ساسانیان با اندیشه تازه ای ادامه حیات دادند. این بار در محل دیگری، یعنی همان جایگاه نخستین خود در کوهستانها که از آنجا برآمده بودند.

د: حرف نویسی w (او) و در آوانویسی u و o و ud است

د: در حرف نویسی d و š خوانده می شود ولی در اینجا بهتر است آن را d بخوانیم

۵- حرف نویسی، آوانویسی نویسه های روی سکه :

MLKA این واژه هزوارش است و معادل آوانویسی <sup>۲</sup> šāh است و به همین معنی می باشد.

BRH این واژه نیز هزوارش است و آوانویسی آن pus (پس) است به معنی پسر (rd) همینطور خوانده می شود و هزوارش نیست و در اینجا اُرد دوم پسر اُرد اول پادشاه منظور می باشد.

(w)rd هزوارش نیست و همینطور خوانده می شود منظور اُرد اول پادشاه است

## ۶- آوانویسی:

šāh pus (o)rod ( u)orod

ترجمه اُرد(دوم) پسر اُرد شاه

<sup>۲</sup> هزوارش: از مصدر uzwā rtan (شرح و تفسیر) uzwāreš (h) شرح و تفسیر، و هزوارش همان شرح و تفسیر نویسه های آرامی است. به این معنی که در زبان پهلوی واژه ی آب را به زبان آرامی MYA می نوشتند ولی به زبان محلی (پهلوی) āb می خواندند.

## منابع

- ۱- باقری مهری، ۱۳۸۰، تاریخ زبان فارسی، قطره  
تهران
- ۲- بیانی شیرین، ۱۳۷۰، تاریخ سکه از قدیم ترین  
ازمنه تا دوره ی ساسانیان، جلد ۱ و ۲ چاپ چهارم  
، دانشگاه تهران، تهران
- ۳- پاتس، دنیل تی؛ ۱۳۸۵، باستان شناسی ایلام؛  
ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات: شرکت  
انتشارات علمی و فرهنگی
- ۴- رضایی باغ بیدی حسن، ۱۳۸۰، دستور زبان پارسی  
، نشر آثار، تهران
- ۵- سرفراز علی اکبر و آورزمانی فریدون، ۱۳۸۰، سکه  
شناسی، انتشارات سمت، تهران
- ۶- کالج، مالکوم، ۱۳۸۰، پارتیان، ترجمه مسعود  
رجب نیا، چاپ سوم، انتشارات هیرمند، تهران





شکل ۱) نمایی از تپه باستانی کره سیاه بهبهان



شکل ۲) پشت سکه الیمایی (بانویسه پارتی)

روی سکه الیمای باتصویر پادشاه ولنگر